

کدام گروه‌ها ترامپ را تشویق به جنگ می‌کنند؟

محاسبات پنهان کنگره در قبال ایران

اتحاد نانوشته میان سناتورهای جمهوری خواه گریزان از ترامپ و دموکرات‌های متنفر از او و تشویق وی برای آغاز جنگی تازه در غرب آسیا با ایران، برای این دو دسته فارغ از تبعات فاجعه‌بار آن راهی برای پیروزی در انتخابات میان‌دوره پیش‌رو در مجلس نمایندگان و سنا است.

شرح در صفحه ۷

دولت برای حل مشکل ارز ترجیحی و یارانه چه سیاستی در پیش می‌گیرد؟

اختلال

در تشخیص

دهک‌ها

صفحه ۷

توضیح

درباره یک گزارش:

در انتخاب واژه‌ها

بی‌دقتی

شد

صفحه ۱۰

سنار یوهای پیش روی اقتصاد

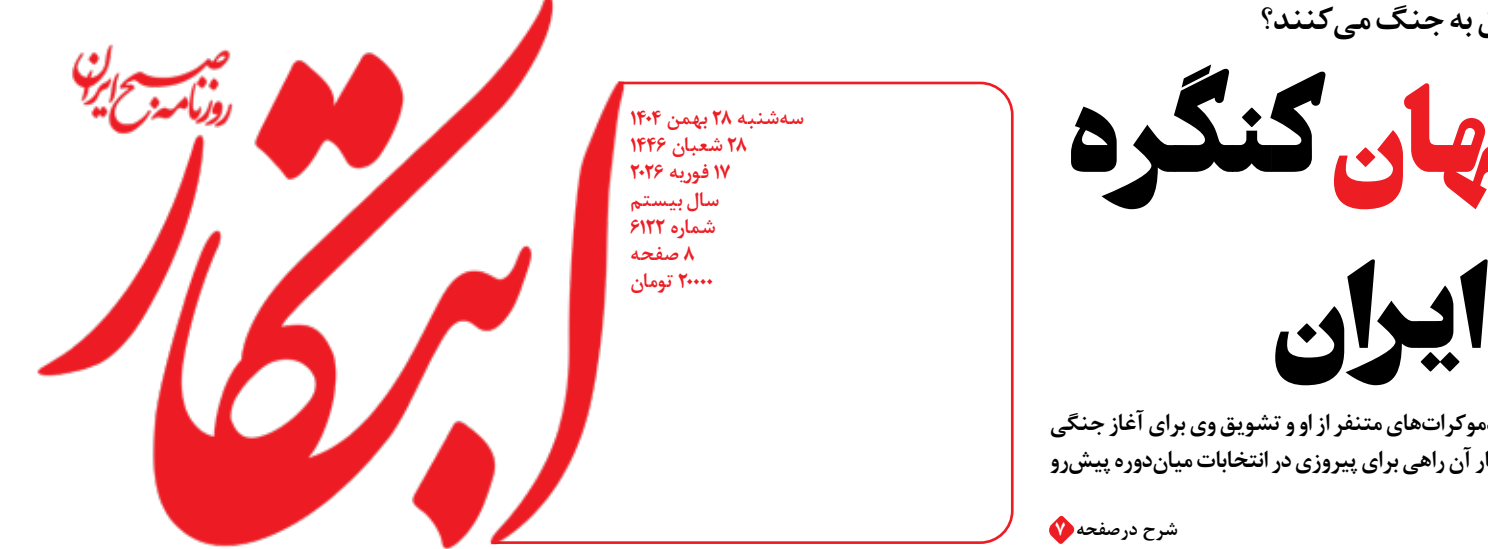
بررسی شد

معشیت مردم

سخت‌تر

از آمارها

صفحه ۸



مشتتری زنانه موتور‌ها بیشتر شد

پیچ تند

موتورسواری زنان

صفحه ۲



مذاکره در میدان روایت‌ها

از اتهام «خرید زمان» تا آزمون اراده سیاسی برای توافقی پایدار

بلکه در دوره‌ای اخیر مذاکرات نیز بازتولید شده است. تجربه جنگ ۱۲ روزه در میانه یکی از مقاطعی حساس گفت‌وگوها، نمونه‌ای روشن از هم‌زمانی دیپلماسی و تنش میدانی بود؛ رخدادی که نشان داد حتی در زمانی که کانال‌های مذاکره باز است، امکان بروز بحران‌های امنیتی وجود دارد. چنین تجربه‌ای این پیام را به تهران منتقل کرد که مذاکرات الزاما سیری بازدارنده در برابر تشدید تنش نیست. از منظر ایران، این هم‌زمانی جنگ و مذاکره، پرسش‌های جدی درباره میزان هماهنگی طرف‌های مقابل و اراده واقعی آن‌ها برای حفظ مسیر دیپلماتیک ایجاد کرد. وقتی در میانه گفت‌وگوها، فضای منطقه‌ای به‌سمت درگیری نظامی می‌رود، طبیعی است که اعتماد به روند مذاکره تضعیف شود و احتیاط جای خوش‌بینی را بگیرد.

در چنین شرایطی، تأکید ایران بر ضرورت دریافت تضمین‌های عینی و قابل اتکا، بیش از پیش معنا پیدا می‌کند. بی‌اعتمادی انباشته، مذاکره را از یک فرآیند سیاسی به یک معادله امنیتی تبدیل کرده است؛ معادله‌ای که در آن، هر بند توافق باید در برابر سناریوهایی بدبینانه نیز تاب‌آوری داشته باشد.

بنابراین، کندی نسبی روند مذاکرات یا وسواس در جزئیات، در این چارچوب قابل فهم است. تجربه جنگ ۱۲ روزه نشان داد که بدون رفع ریشه‌های بی‌اعتمادی و تقویت واقعی مسیر دیپلماسی از ابزار فشار و تهدید، هر توافقی در معرض شکنندگی قرار خواهد داشت؛ واقعیتی که بر محاسبه ایران و پیش‌بینی نتایج مذاکرات را محدود می‌کند.

سیاسی و رسانه‌ای را متأثر می‌کند. این رفتارها نه تنها بر تصمیم‌گیری‌های فوری تیم‌های دیپلماتیک تأثیر می‌گذارد، بلکه توانایی ایران و دیگر بازیگران برای برنامه‌ریزی بلندمدت و پیش‌بینی نتایج مذاکرات را محدود می‌کند. ساسان کریمی در این خصوص نیز خاطرنشان کرد که «مواضع دونالد ترامپ در خصوص موضوعات مختلف سیاست بین الملل و از جمله فقره ایران سیال است، او هم به طور خواسته این روش را اتخاذ کرده است و هم شخصیتاً اینچنین است. تأثیر فضای مجازی، رسانه‌ای، اظهارات دیگران و از جمله مقامات ایرانی بر رویکردهای لحظه‌ای وی کم نیست. البته به همان موضوع هم نمی‌توان مطمئن بود و ممکن است در اثر رخداد بعدی مجدداً تغییر ماهوی آن را شاهد باشیم. ولی در هر حال عقل حکم می‌کند که از این مشخصه آگاهانه و ناخودآگاه ترامپ با مدیریت رسانه ای و روانی استفاده صحیح شود و این حتماً از راه رجزخوانی گل درشت و نخ نام تأمین نخواهد شد.»

چشم‌انداز مذاکرات: سرعت، توقف یا بازتعریف مسیر؟

آینده مذاکرات ایران و قدرت‌های جهانی، تابع مجموعه‌ای از عوامل متغیر و پیچیده است که هم شامل اراده سیاسی و محاسبات راهبردی طرف‌ها می‌شود و هم متأثر از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی است. سرعت یا کندی روند مذاکرات تنها به تصمیم‌های لحظه‌ای بستگی ندارد و محصول تعامل میان ظرفیت‌های فنی، واقعیت‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی داخلی و خارجی است.



با توجه به این سابقه، تحرکات اخیر علیه ایران را می‌توان پیش‌درآمدی بر همان رویکردهای پیشین دانست. استفاده از ادبیات «خرید زمان» در رسانه‌ها و فضای دیپلماسی، نه فقط بازتاب واقعیت مذاکرات، بلکه بخشی از یک استراتژی تکراری برای هدفتند برای تقویت موضع غرب و مشروعیت‌بخشی به فشارهای سیاسی و اقتصادی محسوب می‌شود.

اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست خبری هفته گذشته خود در پاسخ به سؤالی در خصوص این اتهام پرتکرار گفت: هرچه سریع‌تر، بهتر. ما با نگاهی نتیجه‌محور وارد این مذاکرات شده‌ایم و برای ما زمان اهمیت دارد. بارها خدمت شما عرض کرده‌ام که رفع تحریم‌های ظالمانه برای ما موضوعی حیاتی است و هر روزی که این اتفاق زودتر رخ دهد، برای ما برد محسوب می‌شود. از این رو، گزاره بی‌معنای «خرید زمان» اساساً در مورد ما مصداقی ندارد.

وامی داده داد: ما جدیت خود را در مذاکرات بارها نشان داده‌ایم. کافی است به سابقه مذاکرات نگاه کنید تا ببینید چه اتفاقاتی رخ داده است. من نیز در پنج دور قبلی، اگر خاطرتان باشد، همین‌جا اعلام کردم که ما تا این اندازه جدی هستیم که آمادگی داریم روزهای متوالی در محل مذاکرات بمانیم. گفت‌وگوها هفته‌ها به طول انجامید. وزرای امور خارجه کشورهای طرف مذاکره برای مدت‌های طولانی در وین مستقر بودند تا بتوانند بر سر جزئیات فنی و حقوقی به جمع‌بندی برسند. این سابقه تاریخی نشان می‌دهد که زمان در چنین پرونده‌ای نه الزاماً نشانه تعلل، بلکه بخشی اجتناب‌ناپذیر از مسیر رسیدن به توافقی پایدار و قابل اجراست.

در ادبیات سیاسی ایالات متحده و اسرائیل، اتهام «خرید زمان» اغلب در مقاطع حساس مذاکرات برجسته می‌شود. این روایت، تلاش دارد ایران را به‌عنوان بازیگری معرفی کند که از فرآیند دیپلماتیک برای پیشبرد اهداف دیگر بهره می‌گیرد و در نتیجه تصویر غیرمتعهدانه‌ای از تهران ارائه دهد. غریبه‌ها تجربه طولانی در روایت‌سازی به نفع خود و ایجاد blame game دارند. این رویکرد شامل شکل‌دهی به افکار عمومی داخلی و بین‌المللی، برجسته‌کردن نقاط ضعف طرف مقابل و پیش‌داوری درباره نیت‌هاست. به کمک این روش، می‌توان هم فضای سیاسی و رسانه‌ای را کنترل کرد و هم فشار بر طرف مقابل را افزایش داد، بدون آنکه الزاما به تغییر واقعی روند مذاکرات نیاز باشد.

در حالی که تهران بر ضرورت تسریع در روند رفع تحریم‌ها تأکید دارد، تداوم بی‌اعتمادی و اظهارات متناقض مقامات کاخ سفید به ویژه شخص دونالد ترامپ، مسیر توافق را به آزمونی برای اراده سیاسی و توان مدیریت زمان در دیپلماسی تبدیل کرده است.

به گزارش خبرنگار سیاست خارجی ایرنا، اتهام «خرید زمان» در سال‌های اخیر به یکی از ابزارهای ثابت فشار سیاسی علیه ایران در روند مذاکرات هسته‌ای تبدیل شده است؛ اتهامی که از سوی ایالات متحده و رژیم اسرائیل و رسانه‌های نزدیک به آنها بارها تکرار شده و هر بار با نزدیک شدن به مقاطع حساس گفت‌وگوها، پررنگ‌تر از گذشته در فضای رسانه‌ای و دیپلماتیک مطرح می‌شود.

این روایت تلاش دارد روند مذاکرات را نه به‌عنوان یک فرآیند پیچیده و چندلایه دیپلماتیک، بلکه در قالب تاکتیکی برای فرسایش زمان و تغییر موازنه‌ها تصویر کند. در چنین چارچوبی، مفهوم «زمان» از یک متغیر فنی در گفت‌وگوها، به یک مؤلفه سیاسی و تبلیغاتی بدل می‌شود که می‌تواند بر افکار عمومی، محاسبه تصمیم‌گیران و حتی فضای چانه‌زنی تأثیر بگذارد.

در سوی دیگر میدان، ایران این اتهام را فاقد مبانی منطقی می‌داند و بر این نکته تأکید دارد که عوامل بازدارنده زیادی در برابر هرگونه تعلل از سوی طرف ایرانی وجود دارد که هرکدام، مگر اینکه یک توافق عمداً کم جزئیات مبانی عمل عبور کند.

وی تأکید کرد: «هر توافقی که محتوایی باشد لاجرم نیاز به کار کارشناسی دارد چرا که منافع لاقال یک ملت در هر بند موضوع بحث است و مذاکره‌کننده نمی‌تواند به سادگی از آن عبور کند. مگر اینکه یک توافق عمداً کم جزئیات مبانی عمل ایران و ایالات متحده قرار گیرد که بتواند با نشان دادن اراده سیاسی طرفین مذاکرات را به مسیر صحیح هدایت کند. این توافق البته می‌تواند در کوتاه مدت به دست آید ولی رسیدن به نتیجه نهایی در یک بازه چند ماهه قابل تصور است. باید ذکر کنم که این نتیجه نهایی و بر هم نخوردن توافق کم جزئیات اولیه تنها در صورت بازنمایی یک اقق مشترک و نیز حمایت هر دو طرف از دستاورد مشترک است که قابل به دست آمدن است.»

تجربه مذاکرات منتهی به برجام نیز نشان می‌دهد که حتی در شرایطی که اراده سیاسی برای توافق وجود داشت، گفت‌وگوها هفته‌ها به طول انجامید. وزرای امور خارجه کشورهای طرف مذاکره برای مدت‌های طولانی در وین مستقر بودند تا بتوانند بر سر جزئیات فنی و حقوقی به جمع‌بندی برسند. این سابقه تاریخی نشان می‌دهد که زمان در چنین پرونده‌ای نه الزاماً نشانه تعلل، بلکه بخشی اجتناب‌ناپذیر از مسیر رسیدن به توافقی پایدار و قابل اجراست.

در ادبیات سیاسی ایالات متحده و اسرائیل، اتهام «خرید زمان» اغلب در مقاطع حساس مذاکرات برجسته می‌شود. این روایت، تلاش دارد ایران را به‌عنوان بازیگری معرفی کند که از فرآیند دیپلماتیک برای پیشبرد اهداف دیگر بهره می‌گیرد و در نتیجه تصویر غیرمتعهدانه‌ای از تهران ارائه دهد. غریبه‌ها تجربه طولانی در روایت‌سازی به نفع خود و ایجاد blame game دارند. این رویکرد شامل شکل‌دهی به افکار عمومی داخلی و بین‌المللی، برجسته‌کردن نقاط ضعف طرف مقابل و پیش‌داوری درباره نیت‌هاست. به کمک این روش، می‌توان هم فضای سیاسی و رسانه‌ای را کنترل کرد و هم فشار بر طرف مقابل را افزایش داد، بدون آنکه الزاما به تغییر واقعی روند مذاکرات نیاز باشد.

در حالی که تهران بر ضرورت تسریع در روند رفع تحریم‌ها تأکید دارد، تداوم بی‌اعتمادی و اظهارات متناقض مقامات کاخ سفید به ویژه شخص دونالد ترامپ، مسیر توافق را به آزمونی برای اراده سیاسی و توان مدیریت زمان در دیپلماسی تبدیل کرده است.

به گزارش خبرنگار سیاست خارجی ایرنا، اتهام «خرید زمان» در سال‌های اخیر به یکی از ابزارهای ثابت فشار سیاسی علیه ایران در روند مذاکرات هسته‌ای تبدیل شده است؛ اتهامی که از سوی ایالات متحده و رژیم اسرائیل و رسانه‌های نزدیک به آنها بارها تکرار شده و هر بار با نزدیک شدن به مقاطع حساس گفت‌وگوها، پررنگ‌تر از گذشته در فضای رسانه‌ای و دیپلماتیک مطرح می‌شود.

این روایت تلاش دارد روند مذاکرات را نه به‌عنوان یک فرآیند پیچیده و چندلایه دیپلماتیک، بلکه در قالب تاکتیکی برای فرسایش زمان و تغییر موازنه‌ها تصویر کند. در چنین چارچوبی، مفهوم «زمان» از یک متغیر فنی در گفت‌وگوها، به یک مؤلفه سیاسی و تبلیغاتی بدل می‌شود که می‌تواند بر افکار عمومی، محاسبه تصمیم‌گیران و حتی فضای چانه‌زنی تأثیر بگذارد.

در سوی دیگر میدان، ایران این اتهام را فاقد مبانی منطقی می‌داند و بر این نکته تأکید دارد که عوامل بازدارنده زیادی در برابر هرگونه تعلل از سوی طرف ایرانی وجود دارد که هرکدام، مگر اینکه یک توافق عمداً کم جزئیات مبانی عمل عبور کند. مگر اینکه یک توافق عمداً کم جزئیات مبانی عمل ایران و ایالات متحده قرار گیرد که بتواند با نشان دادن اراده سیاسی طرفین مذاکرات را به مسیر صحیح هدایت کند. این توافق البته می‌تواند در کوتاه مدت به دست آید ولی رسیدن به نتیجه نهایی در یک بازه چند ماهه قابل تصور است. باید ذکر کنم که این نتیجه نهایی و بر هم نخوردن توافق کم جزئیات اولیه تنها در صورت بازنمایی یک اقق مشترک و نیز حمایت هر دو طرف از دستاورد مشترک است که قابل به دست آمدن است.»

زمان در دیپلماسی؛ ابزار فشار یا ضرورت فنی؟

در هر فرآیند مذاکره پیچیده، «زمان» صرفاً یک عامل سیاسی نیست، بلکه بخشی از الزام‌های فنی گفت‌وگوهاست. پرونده هسته‌ای ایران از معدود موضوعاتی است که هم‌زمان ابعاد حقوقی، فنی، امنیتی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. تنظیم هر بند توافق در چنین پرونده‌ای نیازمند محاسبه دقیق پیامدهای متقابل و پیش‌بینی سناریوهایی اجرایی است؛ امری که ذاتاً زمان‌بر است و نمی‌توان آن را به سطحی از شتاب‌زدگی تقلیل داد.

از سوی دیگر، ساختار چندلایه و درهم‌تنیده تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران، پیچیدگی هر مذاکره برای رفع آن‌ها را دوچندان کرده است. تحریم‌ها صرفاً محدود به یک فرمان اجرایی یا یک قانون مشخص نیستند، بلکه شبکه‌ای از مقررات کنگره، دستورهای اجرایی، تحریم‌های ثانویه و محدودیت‌های بانکی و مالی را شامل می‌شوند. باز کردن این گره‌ها نیازمند حضور کارشناسان اقتصادی، مالی و حقوقی است تا مشخص شود کدام تحریم‌ها قابل تعلیق یا لغو هستند و سازوکار راستی‌آزمایی رفع آن‌ها چگونه تعریف می‌شود.

در بُعد هسته‌ای نیز موضوع فقط یک تصمیم سیاسی نیست. مسائل مرتبط با سطح غنی‌سازی، تعداد و نوع سانتریفیوژها، نحوه نظارت‌ها و چارچوب همکاری‌های فنی، همگی مستلزم برگزاری جلسات تخصصی با حضور کارشناسان مجرب فنی است. توافق بر سر این جزئیات، بدون بررسی‌های دقیق و تبادل داده‌های فنی امکان‌پذیر نیست و طبیعتاً به زمان نیاز دارد.

ساسان کریمی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران و معاون امور جهانی موسسه «پایاب» در این رابطه به ایرنا گفت: «به